

در حضور دوست

نیایش در زندگی

حسین امینی پویا

ابتدال برهیم. دعا تقاضای خوشبختی و سعادت، خیرخواهی برای دیگران، دوری از اطاعت شیطان و نافرمانی خداوند، و دیگر صفات منفی است.

فرازی از دعای عرفه

پروردگارا! مرا چنان قرار بده که از تو بیم داشته باشم. بدان سان که تو را می‌بینم و با پرهیزکاری، خوشبختم گردان و با نافرمانی از خود مرا تیره بخت مگردان [مفاتیح‌الجنان].

می‌بینید که چگونه این دعا تعریف خوشبختی حقیقی را ارائه کرده است و آن را تعلیم می‌دهد. در مقابل هم بدبختی را معرفی کرده و راه دوری از آن را آموزش می‌دهد.

دعا، تجلی عشق و ورزیدن

راز و نیاز با خدا، نیاز فطری و بخش مهمی از زندگی ماست و نمودار کوشش ما برای ارتباط مستمر با خدا. دعا و نیایش در ادعیه ما، تجلی عشق ورزیدن، شناخت و ستایش خداوند، شرح بیم‌ها و امیدها، و عرضه ضعف‌ها و نیازها به آن ذات یگانه است. ما از سویی با زبان دعا فرصت می‌یابیم روح خویش را که به‌طور پیوسته، در زندگی روزمره با غفلت‌ها آلوده می‌شود، با تلقین اصول اعتقادی و ستایش خداوند جلوه‌گاه خواست‌های متعالی و کشش‌ها و عشق‌های ماورایی سازیم، و از دیگر سو، با بیان نیازها و خواست‌ها و تکرار آن‌ها، و زنده کردن آرمان‌های مقدس انسانی، از بند عینیت مادی پست و روزمرگی و

فرازی از دعای هفدهم صحیفه سجادیه

بار خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست و در برابر ضلالت شیطان، ما را از هدایت خود بهره‌مند ساز و در برابر تلاش او برای گمراهی ما، ما را پرهیزکاری ره‌توشه ساز و اگر او ما را به راه تباهی می‌کشد، تو ما را راه تقوا بنمای. بار خدایا! ما را نیروی عبادت ده و بدان شیطان را از ما بران. بر سعی ما در راه محبت خود بیفزای و به آن شیطان را خوار گردان.

درس زندگی

دعاها جلوه‌گاه عمیق‌ترین آگاهی‌ها، شورانگیزترین عشق‌ها و متعالی‌ترین صفات برای کسانی هستند که می‌خواهند درس زندگی را بیاموزند. بله دعاها و نیایش‌هایی که از پیامبر(ص) و امامان(ع) نقل شده‌اند و در کتاب‌های معتبر دعایی آمده‌اند، بهترین وسیله تقرب به خدا هستند. مضامین بلند آن‌ها نیایشگر را از درون دگرگون می‌سازد و روح و روان او را برای پذیرش حقایق الهی، تکالیف دینی و اخلاقی و مسئولیت‌های انسانی آماده می‌سازد.

ممکن است کسی بپرسد دعا و تفرج امامان، این به کمال رسیدگان، چه هدفی داشته است؟ در پاسخ باید گفت، کسی که عمق اندیشه و نگاهش تا تپه کوچکی در روبه‌روست، همین که به آن می‌رسد احساس غرور، توفیق و سرشاری می‌کند. اما کسی که بلندترین قله را دیده و نشانه گرفته است - یعنی کمال مطلق را - غیر از این است که چون شیدایی بی‌تاب به کوشش و سختی و به دعا و زاری، طالب رسیدن و پیوستن به آن است؟ آن‌ها که

کمال مطلق و خالق بی‌نیاز را شناخته‌اند، می‌دانند که در مقابل او چه قدر نیازمندند. این همان است که گفته‌اند انسان به میزان برخورداری‌هایی که در زندگی دارد، انسان نیست، بلکه درست به اندازه نیازهایی که در خود احساس می‌کند، انسان است.

زمزمهات آشناست

فلسفه دعا و کیفیت و چگونگی آن را از امام علی(ع) بیاموزیم، آن‌جا که به فرزندش امام حسن(ع) می‌نویسد:

«بدان خداوندی که خزانه‌های آسمان و زمین به دست اوست، تو را رخصت دعا داده و تضمین اجابت آن را برعهده گرفته است. و هم اوست که فرمانت داده است که خواهی تا ببخشاید و طلب رحمت کنی تا بنسوزد؛ بی‌آن که در میان خود و تو دربانی بگمارد تا بر تو در بندد یا تو را در جست‌وجوی واسطه‌ای برای دیدارش ناگزیر گرداند. چون بد کنی راه توبه بر تو نبندد و خود در خشم شتابش نباشد و آن‌جا که سزاوار رسوایی باشد، رسوایت نمی‌سازد.

در قبول زاری بر تو سخت نگیرد و در رسیدگی به گناهانت خرده‌گیری نکند و از مهرش هرگز نومیدت نسازد. چه گویم که دل‌کندنت از گناه را نیکی قلمداد می‌کند و بدی تو را یک و نیکی تو را ده می‌شمارد، و باب بازگشت و پوزش را برایت همواره باز می‌گذارد. چون بخوانی اش دعایت را شنواست و چون با او زمزمه کنی، به زمزمهات دانااست. چنین است که به سادگی نیازت را با او در میان می‌گذاری و سفره دل در برابرش می‌گشایی. غم‌هایت را یک به یک با حضرتش شکوه می‌کنی و غم‌زدایی از او می‌طلبی.